

بررسی رابطه بین ابعاد هوش معنوی با نگرش به آسیبهای اجتماعی در دانش آموزان دختر بجنورد

رضا غفاری جوشقان^۱

چکیده

هوش معنوی یکی از جنبه های کاربردی مفهوم معنویت می باشد؛ به همین منظور هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین ابعاد هوش معنوی با نگرش به آسیبهای اجتماعی در دانش آموزان دختر متوسطه اول بجنورد می باشد. جامعه آماری دانش آموزان دختر متوسطه اول که ۲۱۸۵ نفر میباشند، تعداد ۳۶۰ نفر از روش نمونه گیری طبقه ای نسبی و با توجه به جدول کرجسی و مورگان انتخاب شدند. تحقیق از نظر هدف کاربردی و به لحاظ شیوه اجرا از نوع همبستگی می باشد. ابزار پژوهش، پرسشنامه های هوش معنوی دیوید کینگ (۲۰۰۸) و نگرش به آسیبهای اجتماعی تیمورتاش (۱۳۸۹) بوده و جهت تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t ، f فیشر و رگرسیون گام به گام استفاده گردید. نتایج نشان داد بیشترین میزان همبستگی برای بعد هوشیاری (از مولفه های هوش معنوی) و نگرش به آسیبهای اجتماعی می باشد (همبستگی خوب و معکوس) همچنین بین هوش معنوی کل و آسیبهای اجتماعی رابطه معنادار و معکوس برقرار بود ($P \leq 0/05$ ؛ $r = -0/35$)؛ از طرفی نگرش به آسیبهای اجتماعی به وسیله سه بعد هوش معنوی (هوشیاری، تفکر انتقادی، آگاهی متعالی) قابل پیش بینی است. بر این اساس قدرت پیش بین نگرش به آسیبهای اجتماعی بر مبنای زیر بعدهای هوش معنوی (هوشیاری، تفکر انتقادی، آگاهی متعالی) تأیید است. نتایج آزمون t مستقل نیز نشان می دهد که در متغیر نوع منطقه ($t: 3/06$ ، $P: 0/002$) تفاوت معناداری میان دو گروه دانش آموزان شهری و روستایی وجود دارد و نتایج آزمون f فیشر نیز نشان می دهد که بین نگرش به آسیبهای اجتماعی دانش آموزان دختر با توجه به سن آنها ($F(3,357): 1/73$ ، $P: 0/15$) تفاوت معناداری وجود ندارد.

واژه گان کلیدی: هوش معنوی، نگرش به آسیبهای اجتماعی، دانش آموزان دختر.

مقدمه

هوش معنوی یکی از مفاهیمی است که، در پرتو توجه وعلاقه جهانی روان‌شناسان به حوزه دین و معنویت، مطرح شده و توسعه پیدا کرده است. هوش معنوی سازه‌های معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب می‌کند. هوش معنوی یکی از جنبه‌های کاربردی مفهوم معنویت می‌باشد. مارشال^۱ (۲۰۰۰) هوش معنوی را هوشی معرفی می‌کنند که انسان‌ها از طریق آن مسائل مربوط به معنا و ارزش‌ها را حل می‌کنند، زندگی و فعالیت‌های خود را در زمینه‌ای وسیع‌تر، غنی‌تر، و معنا دار قرار می‌دهند، و به کمک آن تشخیص می‌دهند که کدام اقدامات یا کدام مسیرها معنا دارتر از دیگری می‌باشد. در دهه‌های اخیر کاربرد مفهوم معنویت و کاربردهای آن در دنیا و به خصوص در دنیای غرب جایگاه خاصی پیدا کرده است، طوری که مفاهیمی همچون خدا، مذهب، معنویت و غیره که موضوعاتی خصوصی یاد می‌شدند، وارد تحقیقات علمی ومباحث آکادمیک در حوزه علوم انسانی شده‌اند (ابراهیمی، ۱۳۸۹). تعداد تحقیقات در چنین موضوعاتی در پژوهش‌های روانشناسی ومدیریت به سرعت در حال افزایش است. یکی از مفاهیمی که به تدریج از درون همین جلسات و کنفرانس‌ها ظهور کرده است، هوش معنوی می‌باشد. البته به طور جدی ورود مفهوم و واژه هوش معنوی به ادبیات علمی روانشناسی و مدیریت را باید به دانا زوهار^۲ و یان مارشال (۲۰۰۰) و نیز ایمونز^۳ (۲۰۰۰) نسبت بدهیم.

در این پژوهش مفهوم هوش معنوی و جنبه‌های مختلف آن همچون مسیر توسعه، تطابق آن با معیارهای هوش، مزایا و کاربردهای آن، چگونگی سنجش آن، و غیره به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیش‌بینی می‌شود در این مقاله به دلیل امکان تاثیر گذاری فوق‌العاده هوش معنوی بر متغیرهای مهم همچون رهبری، انگیزش، خودکنترلی، قابلیت تغییر و نیز ارتباطش با دیگر انواع هوش، معنویت وهوش معنوی به یک موضوع مهم و

¹ marshal

² Dana zohar

³ imunz

بحث انگیز در حوزه روانشناسی شخصیت تبدیل خواهد شد (حاتمی، ۱۳۸۶)؛ در طی دهه اخیر، نظریه پردازان و صاحب نظران در باب یادگیری و هوش به این نتیجه رسیده اند که علاوه بر دو هوش کلی (IQ) و هوش هیجانی (EQ) جنبه دیگری از هوش هم وجود دارد که کاملاً منحصر به فرد انسانی است. در واقع امروز گفته می شود که IQ و EQ پاسخگوی همه چیز نبوده و واقعا موثر نیستند. بلکه انسان به عامل دیگری نیازمند است که هوش معنوی یا به اختصار SQ نامیده می شود (چریر، ۲۰۰۴). در سالهای پایانی قرن بیستم مجموعه ای از مدارک و شواهد از علوم روانشناسی، عصب شناسی، انسان شناسی و علوم شناختی پا به عرصه وجود گذاشتند که نشان می دهند هوش سومی هم به نام هوش معنوی مطرح است (گویلان، ۲۰۰۴)؛ اما تنها انسان است که از هوش معنوی SQ برخوردارند، هوشی تحول پذیر، توانایی ای که به او قدرت می دهد تا خلاق باشد و قوانین و نقش ها را دستخوش تغییرات خودنماید، بتواند تحولات اساسی ایجاد کند و دنیای اطرافش را به بهترین شکل متحول سازد. نیازها یه عنوان قوه و عامل اصلی ایجاد کننده رفتار از اهمیت ویژه ای برخوردارند و بهداشت روانی مستلزم دانستن و ارزش دادن به احتیاجات اصلی افراد است. نیازهای انسان به دو دسته بدنی و روانی تقسیم می شوند که به عنوان مثال: غذا و خواب از نیازهای جسمانی و نیاز به جامعه پذیری و امنیت جز نیازهای روانی انسان می باشند. توجه به این نیازها، سلامت و بهداشت روانی فرد را بر آورده می کند. (ابراهیمی بختور، ۱۳۶۹: ۲۲)

هوش معنوی یا SQ را می توان همان توانایی دانست که به ما قدرتی می دهد و تلاش و کوشش برای به دست آوردن آن رویاها را می دهد. این هوش زمینه تمام آن چیزهایی است که ما به آنها معتقدیم و نقش باورها، هنجارها، عقاید و ارزش ها را در فعالیت هایی را که بر عهده می گیریم در بر می گیرد. هوشی که به واسطه آن سوال سازی در ارتباط با

¹ cherir

² goylan

مسائل اساسی و مهم زندگی مان می پردازیم و به وسیله آن در زندگی خود تغییراتی را ایجاد می کنیم. با استفاده از هوش معنوی به حل مشکلات با توجه به جایگاه، معنا و ارزش آن مشکلات می پردازیم. هوشی که قادریم توسط آن به کارها و فعالیت هایمان معنا و مفهوم بخشیده و با استفاده از آن بر معنای عملکردمان آگاه شویم و دریابیم که کدامیک از اعمال و رفتارهایمان از اعتبار بیشتری برخوردارند و کدام مسیر در زندگی مان بالاتر و عالی تر است تا آن را الگو و اسوه زندگی خود سازیم. یکی از نمادهایی که معمولاً در توضیح این هوش به کار گرفته می شود، نماد گل نیلوفر است که در آن با تلفیق سنت و عقاید موجود در شرق و غرب و با استعانت از مسائل علمی، مدلی قابل لمس و زیبا برای SQ ارائه داد. (آمرام، ۲۰۰۷). در این مدل هر سطح از گلبرگ ها یکی از سه توان پایه ای در بشر هستند. بیرونی ترین گلبرگ ها، نشانگر شش نوع «خود» است. همان طور که اشاره شد هوش معنوی یکی از توانایی های ذاتی و فطری در انسان است که همانند سایر هوش ها چنانچه مورد توجه قرار گیرد می تواند پرورش یافته و توسعه یابد. به عبارتی SQ قابل توصیف و توضیح و اندازه گیری است. برای اندازه گیری این هوش می توان به سنجش مهارت‌ها و توانایی هایی که ناشی از این هوش است پردازیم. امروزه اثر فشار روانی در طولانی تریر شدن سلامتی و عمر انسان به اثبات رسیده است. مثلاً یک فشار می تواند عاملی در حمله قلبی باشد. استرس یا فشار روانی ریشه اکثر بیماریهای عصبی و روانی است. استرسهای شدید مقاومت بدن را در مبارزه با ویروس ها و باکتری ها کاهش می دهند.

حال در چنین شرایطی، به راستی کدام سخن است که او را از ورطه این آسیب‌ها نجات می‌دهد؟ چه سخن و عملی می‌تواند او را به مسیر درست هدایت کند؟ به مسیری که دیگر تنها احساسات را ملاک کارهای خود قرار نداده و با «شناخت» و «شعور» نسبت به هست ها و نیست‌ها و حقایق هستی، تفاهم عقلانی و گفت و گویی منطقی و مستدل با انسان‌های

اندیشمند و آگاه برقرار کند و سخن آن‌ها را بشنود و تمامی باید و نبایدها را باعث «مصونیت» و نشان «انسانیت انسان» و تمایز خود با «حیوان» ببیند (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۱۹، نقل به مضمون)؛ آسیب شناسی اجتماعی یعنی شناخت ریشه ای بی نظمی های اجتماعی استفاده از این واژه به خاطر این است که همانندیهایی بین پیکره جامعه از نظر دانشمندان ودانشهای اجتماعی و پیکره انسان دردانشهای زیستی وجود دارد. به طوریکه نخستین واحد درجسم انسان سلول است. بنابراین آسیب شناسی اجتماعی مانند آسیب شناسی وروانشناسی زیستی براین باوراست که پیشگیری از درمان آسانتر، ارزانتر و کارآمدتری باشد و همینطور پیشگیری از پشیمانی بهتر است و آنگاه کاری منطقی ونتیجه بخش خواهیم داشت که به این پاسخ رسیده باشیم که: چه بکنیم تا مشکلی پدید نیاید؟ به طوریکه درروانشناسی زیستی برای نمونه می گویند که زیر آفتاب مستقیم زیاد قرار نگیرید. خوراکیهای سوخته، ته دیک سوخته سیب زمینی سوخته رانخورید مواد شیمیایی را که به غذاهای کنسروی اضافه می کنند از آنها پرهیز کنید سبزیها را که می توانند سرطان زا باشند از خوردن آنها پرهیز کنید سبزیها را که می توانند سرطان زا باشند از خوردن آنها پرهیز کنید (رجایی، ۱۳۸۹) در برابر پرتوهای ایکس (X) بیش از چهار بار قرار نگیرید مانند عکس برداری. تا اینجا پیشگیری می باشد یک مرحله بعد از آن چکاپهای شش ماهه و یک ساله است. به همین ترتیب یک جامعه نیز می تواند مانند فیزیولوژی یک انسان که به کام مرگ می رود سقوط کرده نابود شده و از بین برود بنابراین همچنان که برای پیشگیری از مرگ های نابهنگام می توان با توجه به مشاهده های ژنتیکی پیش از ازدواج و توجه به عوامل دوران بارداری و تغذیه، بهداشت جسمی نیرومند در مقابل بیماری داشت. با برنامه ریزی درزیست اجتماعی تقسیم نسبی عادلانه دارایی ها، توزیع منصفانه و برنامه ریزی برای متولدین بعدی و پیش بینی کادرمسکن، بهداشت و غیره برای آنان از پیدایش افراد ضد اجتماعی قانون گریز، قانون بسته (زندان) و کسانی که شیشه اتومبیل می شکنند و غیره جلوگیری کرد. حال که می توانند به جامعه خسارت جبران ناپذیری وارد کنند پیشگیری کنیم (کامگار، ۱۳۸۷)؛ به همین منظور و با توجه به اهمیت آسیبهای اجتماعی و ارتباط آن

با هوش معنوی این مقاله بدنبال این سوال است که آیا بین ابعاد هوش معنوی با نگرش به آسیب‌های اجتماعی در دانش آموزان دختر رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟

روش

روش تحقیق مجموعه‌ای از قواعد، ابزار و راه‌های نظام‌یافته برای بررسی واقعیت‌ها، کشف مجهولات و دستیابی به راه‌حل مشکلات است (خاکی، ۱۳۸۲). از آنجایی که نتایج این تحقیق برای سایر بخش‌های آموزشی قابل استفاده می‌باشد، تحقیق از نوع کاربردی است و از آن جهت که به بررسی و شناخت بیشتر روابط میان متغیرها در شرایط موجود می‌پردازد در دسته پژوهش‌های توصیفی قرار می‌گیرد و از آن جهت که به بررسی رابطه بین متغیرها می‌پردازد از نوع پژوهش‌های همبستگی محسوب می‌شود؛ زیرا هدف آن بررسی ارتباط بین چند متغیر است و با توجه به اینکه متغیرهای این تحقیق غیرقابل دست‌کاری می‌باشند یعنی قبلاً تحت تأثیر متغیر مستقل قرار گرفته‌اند و هر دو در گذشته رخ داده‌اند روش این تحقیق غیرآزمایشی (توصیفی) می‌باشد. بنابراین این تحقیق از نظر هدف کاربردی تلقی می‌شود زیرا اولاً در این تحقیق نظریه پردازی نمی‌شود ثانیاً با اتکاء به نظریه‌های بنیادی نتایج این تحقیق برای حل مسئله در موقعیت خاص به کار می‌رود و نتایج آن قابلیت استفاده در عمل را به همراه دارد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهرستان بجنورد که جمعا ۲۱۸۵ نفر می‌باشند که در راستای هدف پژوهش تعداد ۳۶۰ نفر، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی و با توجه به جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۲) انتخاب شدند. در این پژوهش از دو پرسشنامه، هوش معنوی دیوید کینگ (۲۰۰۸) و نگرش به آسیب‌های اجتماعی تیمورتاش (۱۳۸۹) استفاده شده است. پرسشنامه هوش معنوی دارای ۲۰ گویه است و هدف آن ارزیابی چهار بعد آگاهی متعالی (سوالات ۱-۵ پرسشنامه) تفکر انتقادی (سوالات ۶-۹ پرسشنامه) هوشیاری (سوالات ۱۰-۱۵ پرسشنامه) معناسازی شخصی (سوالات ۱۶-۲۰) سنجیده می‌شود. شیوه نمره‌گذاری بر روی یک طیف

۴ نمره‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۴ (کاملاً موافقم) قرار دارد. در این پرسشنامه برای به دست آوردن امتیاز مربوط به هر بعد، مجموع امتیازات مربوط به تک‌تک سؤالات آن بعد را باهم محاسبه و نمرات بالاتر نشان‌دهنده هوش معنوی بالاتر در خواهد بود و برعکس؛ در پرسشنامه سنجش نگرش به آسیب‌های اجتماعی با هدف بررسی و ارزیابی نگرش دانش آموزان پیرامون بعضی از آسیب‌های اجتماعی در قالب ۴۲ سوال ۵ گزینه‌ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف تهیه شده است. آسیب‌های اجتماعی که در این پرسشنامه موردنظر بوده است شامل سرقت- پرخاشگری- مواد مخدر- مسائل جنسی- خودکشی و فرار از خانه بوده است، که حداقل نمره آن ۴۲ و حداکثر آن ۲۱۰ (حد متوسط ۱۵۴) خواهد بود. نمرات بالاتر نشان‌دهنده مثبت‌تر بودن (بدتر بودن) نگرش به آسیبهای اجتماعی است و نمرات پایین‌تر نشان‌دهنده شرایط مساعدتر و بهتر است؛ در جدول زیر ابعاد و نیز شماره سؤال مربوط به هر بعد و به روش بازآزمایی و روش تصنیف پرسشنامه‌ها ارائه گردیده است:

مؤلفه‌ها	سوالات	روش بازآزمایی	روش تصنیف
معناسازی شخصی	۱ الی ۵	۰/۸۹	۰/۸۱
هوشیاری	۶ الی ۹	۰/۸۸	۰/۷۴
تفکر انتقادی	۱۰ الی ۱۵	۰/۹۰	۰/۸۰
آگاهی متعالی	۱۶ الی ۲۰	۰/۹۱	۰/۷۸
نگرش به آسیبهای اجتماعی	۴۲ سوال	۰/۷۲	۰/۶۷

برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی شامل (میانگین‌ها، جداول، انحراف استاندارد و....) و آمار استنباطی شامل (استفاده از ضریب همبستگی پیرسون (ماتریس همبستگی) برای محاسبه رابطه هر یک از عوامل، آزمون تی t برای مقایسه دو گروه مستقل و تحلیل واریانس f فیشر برای پی بردن به تفاوت بین میانگین‌های هر یک از عوامل و همچنین

رگرسیون سلسه مراتبی برای ارزش هر عامل به صورت علمی توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ مورد استفاده قرار رفت.

یافته‌ها

ویژگی‌های توصیفی شامل کمترین نمره، بیشترین نمره، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای تحقیق در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱- اطلاعات توصیفی نمونه مورد بررسی در متغیرهای تحقیق

حجم نمونه	انحراف استاندارد	میانگین	بیشترین	کمترین	
۳۶۰	5.69	.42۱۵۹	.00۱۸۶	.00۴۸	نگرش به آسیبهای اجتماعی (متوسط)
۳۶۰	.60۱	.92۹	.00۱۴	.00۷	معناسازی شخصی
۳۶۰	2.78	.24۱۲	.00۱۵	.00۸	هوشیاری
۳۶۰	2.50	.44۱۰	.00۱۷	.00۹	تفکر انتقادی
۳۶۰	2.56	.80۸	.00۱۴	.00۶	آگاهی متعالی
۳۶۰	۰.۵۳	۳۲.۴۶	.00۷۱	.00۲۶	هوش معنوی کل

براساس نتایج درج شده در جدول ۱ با توجه به اینکه در پرسشنامه نگرش به آسیبهای اجتماعی متوسط امتیاز ۱۵۴ می باشد و در این تحقیق نمونه آماری میانگین (۱۵۹/۴۲) را کسب کرده‌اند بنابراین می توان گفت میزان نگرش به آسیبهای اجتماعی در بین دانش آموزان دختر متوسطه اول (نمونه آماری) در حد متوسط (نسبتا خوب) می باشد و با توجه به نمره میانگین پرسشنامه هوش معنوی که ۵۰ بوده و در این تحقیق میانگین نمرات دانش آموزان ۴۶/۳۲ کسب شده می توان گفت هوش معنوی دانش آموزان نسبتا ضعیف در بین

نمونه آماری (پایین تر از میانگین) مشاهده گردید و در این پرسشنامه: معناسازی شخصی ۹/۹۲ نسبتا ضعیف (میانگین این بعد نمره ۱۰)، هوشیاری ۱۲/۲۴ در حدود مطلوب (میانگین این بعد نمره ۱۰)، تفکر انتقادی ۱۰/۴۴ متوسط (میانگین این بعد نمره ۱۰) و در آگاهی متعالی ۸/۸۰ بد (نمره پایین تر از میانگین) می باشد.

جدول ۲- نتایج آزمون کالموگروف- اسمیرنوف یکراهه جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

معناداری	آماره کولموگراف اسمیرنوف	
۰/۰۶۸	۰/۶۷۰	نگرش به آسیبهای اجتماعی
۰/۰۶۹	۰/۷۲۰	هوش معنوی کل
۰/۱۳۱	۰/۶۲۱	هوشیاری
۰/۱۰۶	۰/۵۹۸	تفکر انتقادی
۰/۰۸۲	۰/۶۶۰	آگاهی متعالی
۰/۰۹۲	۰/۶۷۸	معناسازی شخصی

بر اساس نتایج درج شده در جدول ۲ با توجه به اینکه سطح معناداری بدست آمده بیشتر از سطح بحرانی ($P > 0.05$) می باشد می توان نتیجه گرفت که همگی داده ها نرمال بوده و می توانیم از روش های آماری پارامتریک استفاده کنیم؛ از طرفی مفروضه نرمال بودن آزمونها، سطح معناداری آزمون لون (طبق جدول ۳) به عبارتی برای متغیرها بیشتر از میزان ۰/۰۵ به دست آمد، بنابراین مفروضه نرمال بودن برقرار است.

جدول ۳- آزمون لوین

متغیرها	F	df1	df2	Sig.
نگرش به آسیبهای اجتماعی	1.070	۱	۳۵۸	.367
هوش معنوی	.466	۱	۳۵۸	.707

در این بخش هر یک از فرضیات پژوهشی همراه با نتایج بدست آمده از داده های پژوهش ارایه شده است. برای پی بردن به نوع ارتباطات بین دو متغیر اصلی پژوهشی با

یکدیگر ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش (به همراه زیر مقیاس‌های هوش معنوی) را محاسبه می‌کنیم چرا که ماتریس همبستگی مبنای محاسبه رگرسیون و نیز تجزیه و تحلیل مدل‌های علی است، ماتریس همبستگی همه متغیرهای پژوهشی در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهشی

0.05 < * P

0.01 < ** P

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
نگرش به آسیبهای اجتماعی	1					
هوش معنوی کل	-.35**	1				
هوشیاری	-.47**	.86**	1			
تفکر انتقادی	-.39**	.83**	.74**	1		
آگاهی متعالی	-.30**	.84**	.67**	.63**	1	
معناسازی شخصی	-.19**	.80**	.80**	.70**	.66**	1

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد بیشترین میزان همبستگی در میان متغیرهای پژوهشی از آن بعد هوشیاری (از مولفه های هوش معنوی) و نگرش به آسیبهای اجتماعی به میزان (۰/۴۷-) می‌باشد (همبستگی خوب و منفی و معکوس) بدین معنا که با افزایش هوشیاری (از مولفه های هوش معنوی) در دانش آموزان، میزان نگرش به آسیبهای اجتماعی آنها نیز کاهش (مطلوب) می‌یابد و بالعکس؛ همچنین در سایر زیر مقیاس‌های هوش معنوی به ترتیب بیشترین میزان ارتباط بین بعد تفکر انتقادی (۰/۳۹-)، آگاهی متعالی (۰/۳۰-)، معناسازی شخصی (۰/۱۹-) مشاهده گردید، که تمامی روابط معنادار و معکوس می‌باشد (۰/۰۵ ≤ P)؛ همچنین اطلاعات جدول نشان می‌دهد بین هوش معنوی کل و کاهش آسیبهای اجتماعی نیز رابطه معنادار و معکوس برقرار است (۰/۳۵-؛ P ≤ ۰/۰۱)؛ جهت پاسخگویی به این موضوع که زیر بعدهای هوش معنوی دانش آموزان می‌توانند نگرش به آسیبهای

اجتماعی آن‌ها را پیش‌بینی کند از رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ذیل آمده است.

جدول ۵ - خلاصه مدل‌های رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون نگرش به آسیبهای اجتماعی بر مبنای زیر بعدهای هوش معنوی

مدل	متغیر	B	SEB	β	t	sig	F	R	R2	Adj R2
1	هوشیاری	-.42	.12	-.31	-6.14	.000	123.4	.30	.15	.16
	هوشیاری	-.38	.17	-.29	-4.33	.000	116.7	.48	.31	.23
۳	تفکر انتقادی	-.35	.53	-.22	-3.05	.000				
	هوشیاری	-.29	.42	-.25	-5.71	.000	128.6	.52	.35	.34
	تفکر انتقادی	-.23	.33	-.19	-4.98	.000				
	آگاهی متعالی	-.15	.49	-.10	-4.55	.000				

** تمامی مقادیر F در سطح $P = 0/01$ معنادار هستند.

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که نگرش به آسیبهای اجتماعی به وسیله سه بعد هوش معنوی (هوشیاری، تفکر انتقادی، آگاهی متعالی) قابل پیش‌بینی است. در بهترین مدل (3) پیش‌بینی نگرش به آسیبهای اجتماعی از هوشیاری مشارکتی ($\beta = 0/25$)، تفکر انتقادی ($\beta = 0/19$) و آگاهی متعالی ($\beta = 0/10$) می‌توانند 34 درصد از واریانس نگرش به آسیبهای اجتماعی را پیش‌بینی نمایند. بر این اساس قسمتی از فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر بررسی قدرت پیش بین نگرش به آسیبهای اجتماعی بر مبنای زیر بعدهای هوش معنوی (هوشیاری، تفکر انتقادی، آگاهی متعالی) قابل تأیید است (در این مدل معناسازی شخصی وارد نشد).

جهت بررسی تفاوت‌های نگرش به آسیب‌های اجتماعی براساس منطقه و سن دانش‌آموزان نیز مطابق جدول ذیل از آزمون‌های t و f فیشر استفاده گردید:

جدول - نگرش به آسیب‌های اجتماعی با توجه به منطقه

شاخص‌ها	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	t مشاهده شده	درجات آزادی	سطح معناداری
جنس	روستایی	3.69	3.16	3.06	۳۵۹	.002
	شهری	2.72	3.07			

نتایج آزمون t مستقل درج شده در جدول نشان می‌دهد که در متغیر نوع منطقه ($t: ۳,۰۶$ ؛ $P: ۰/۰۰۲$) در سطح اطمینان ۹۵٪ تفاوت معناداری میان دو گروه دانش‌آموزان (شهری و روستایی) وجود دارد به نحوی که دانش‌آموزان شهری نیز نسبت به دانش‌آموزان روستایی از نگرش به آسیب‌های اجتماعی بهتری (پایین تر) برخوردار هستند.

جدول - نتایج تحلیل واریانس یکراهه (نگرش به آسیب‌های اجتماعی)

سن	بین گروهی	مجموع	درجات آزادی	میانگین مجذورات	نسبت سطح معناداری	F
سن	بین گروهی	51.30	3	17.10	1.73	.15
درون گروهی		3873.14	۳۵۷	9.85		
کل		3924.44	۳۶۰			

- نتایج آزمون f فیشر نشان می‌دهد که بین نگرش به آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر با توجه به سن ($f: (357,۳)$ ؛ $P: ۰/۱۵$) در سطح اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معناداری وجود ندارد.

نتیجه گیری

شناسایی آسیب های اجتماعی و عوامل ایجادکننده آن و درمان، برطرف سازی و بهبودبخشیدن به آن حدوداً ناممکن می باشد، بنابراین به جا خواهد بود که ما برای ریشه یابی علل آسیبها ابتدا به عوامل موثر بر آن را شناسایی کنیم. هوش معنوی سازه های معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب می کند، هوش معنوی یکی از جنبه های کاربردی مفهوم معنویت می باشد؛ آسیب شناسی اجتماعی نیز مفهوم مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری های عضوی و آسیب های اجتماعی (کج روی ها) قائل می شوند. واژه آسیب شناسی از دیدگاه پزشکی ریشه یابی بیماری هاست (سهرابی، ۱۳۸۷: ۱۸۵).

نتایج نشان داد بیشترین میزان همبستگی برای بعد هوشیاری (از مولفه های هوش معنوی) و نگرش به آسیبهای اجتماعی به میزان (۰/۴۷-) می باشد (همبستگی خوب و معکوس) همچنین در سایر زیرمقیاس های هوش معنوی به ترتیب بیشترین میزان ارتباط بین بعد تفکر انتقادی (۰/۳۹-)، آگاهی متعالی (۰/۳۰-) و معنا سازی شخصی (۰/۱۹-) مشاهده گردید؛ در تبیین این یافته می توان گفت با توجه به اینکه معنویت (هوش معنوی) باعث ایجاد آرامش و سلامت روان در دانش آموزان می گردد این امر سبب تحمل و تفکر فرد قبل از کارهای پر مخاطره دوران نوجوانی و جوانی شده و آسیبهای اجتماعی کمتری برای او همراه خواهد داشت، به عبارتی هوش معنوی بالا باعث می شود دانش آموزان قبل از انجام هر کار با والدین یا معلم مشورت و در مورد عواقب کار خود بیندیشد که این تبیین در برگیرنده کلیه آسیب های اجتماعی برای او می شود؛ به عبارتی جوان بیش از دیگران زمینه پذیرش ایمان و معنویت را دارد. حضرت رسول (ص) در این باره می فرمایند: «شما را به نیکی درباره جوانان سفارش می کنم به درستی که قلب آنها (برای پذیرش فضیلتها) نرم تر و مهربان تر است، وقتی خداوند مرا بشارت دهنده و اندازکننده برانگیخت جوانان با من پیمان بستند و پیران به مخالفت برخاستند» (الحدیث، ۱۴۲۰ ه. ق: ۲۴۹). مقام معظم رهبری نیز در این باره

می‌فرمایند: «عمق بخشیدن به ایمان و دست یافتن به معرفت دینی و مجاهدت برای حفظ طهارت و صفای دل نیز در جوانی از همیشه مفیدتر است» (بانکی پور فرد و قماشچی، ۱۳۸۰: ۱۳۸ به نقل از حدیث ولایت، ۱۳۸۷: ۲۷۱).

همچنین بین هوش معنوی کل و آسیب‌های اجتماعی رابطه معنادار و معکوس برقرار بود (۳۵٪؛ $P \leq 0/05$)؛ از طرفی نگرش به آسیب‌های اجتماعی به وسیله سه بعد هوش معنوی (هوشیاری، تفکر انتقادی، آگاهی متعالی) قابل پیش‌بینی است. از آنجا که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به آسیب‌های اجتماعی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، در نظر گرفتن آسیب‌های اجتماعی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله اساسی و مهمی است» (دیدار مقام معظم رهبری با جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳)؛ در این دیدار رهبری بیش از ۲۲ سؤال اساسی در ابعاد مختلف زندگی امروز را بیان می‌کنند که پاسخ آن‌ها در زندگی به سبک اسلامی نهفته است. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی (۱۳۸۲) نگاه به جوانان را چنین ترسیم نموده است: «تقویت ملی جوانان متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی، فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب‌های اجتماعی آنان، توجه به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و توانایی‌های آنان» (سبحانی نیا، ۱۳۸۵).

نتایج آزمون t مستقل نیز نشان می‌دهد که در متغیر نوع منطقه ($t: 3,06$ ؛ $P: 0/002$) در سطح اطمینان ۹۵٪ تفاوت معناداری میان دو گروه دانش‌آموزان شهری و روستایی وجود دارد به نحوی که دانش‌آموزان شهری نسبت به دانش‌آموزان روستایی از نگرش به آسیب‌های اجتماعی بهتری (پایین‌تر) برخوردار هستند و نتایج آزمون f فیشر نیز نشان می‌دهد که بین نگرش به آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر با توجه به سن آنها (۱,۷۳)؛ $(f: 357,3)$ ؛ $P: 0/15$) تفاوت معناداری وجود ندارد. بطور کلی میزان مولفه نگرش به

آسیبهای اجتماعی در دانش آموزان دختر (نمونه) متوسط (نسبتا خوب) ولی میزان هوش معنوی آنها نسبتا ضعیف است و نتایج تحلیل رگرسیون نیز حاکی از آن بود که قدرت پیش بین کنندگی نگرش به آسیبهای اجتماعی بر مبنای زیر بعدهای هوش معنوی (هوشیاری، تفکر انتقادی، آگاهی متعالی) قابل تأیید است. در خصوص ارتباط عوامل فردی و جمعیت شناختی با متغیر هوش معنوی و آسیب اجتماعی تا به حال کار نشده است و بصورت مستقیم در مورد اثرات عوامل فردی (جمعیت شناختی) تجزیه و تحلیل انجام نشده است برای همین نمی توان همسو یا ناهمسو بودن یافته های بالا را ربط داد، هر چند در بیشتر پژوهشهای اشاره به عدم ارتباط بین این متغیرها و عوامل فدر می باشد؛ در پایان پیشنهاد می گردد در برنامه ریزی های آموزشی - فرهنگی ویژه دانش آموزان دختر به برنامه های متمرکز بر معنویت و ارتقا دهنده هوش معنوی به ویژه در حیطه های خود آگاهی، عشق و علاقه و توانایی مقابله با مشکلات، توجه نمود. حتی در این زمینه پیشنهاد می گردد که واحدهای درسی اختیاری هوش معنوی برای دانش آموزان ارائه گردد. پیشنهاد می شود پژوهش های مشابه در گروه ها و رشته های مختلف تحصیلی انجام شود و از روش مطالعات طولی برای اثبات قطعی تر رابطه هوش معنوی و ابعاد آن با اضطراب استفاده گردد (کاویانی، ۱۳۹۱).

در پایان این نتیجه گیری می توان گفت که به جهت اینکه بتوانیم دختران نوجوان و جوان را از آسیب های اجتماعی این دوره پرفراز و نشیب و حساس، نجات دهیم تا تنها احساسات را ملاک کارهای خود قرار نداده و با «شناخت» و «شعور» نسبت به هست ها و نیست ها و حقایق هستی، تفاهم عقلانی و گفت و گویی منطقی و مستدل با انسان های اندیشمند و آگاه برقرار کند و سخن آن ها را بشنود، لازم است که نیازهای این دوره را درک کرده و پاسخ مناسب آن ها را با مطالعه و کسب بینش و معرفت بدست آوریم، که همان معنویت است. بنابراین، با مروری بر آنچه گفته شد، درمی یابیم که در درجه اول آنچه مهم است، مسئله شناخت نیاز این نسل است و در مرحله دوم باید به دنبال معنویت به شیوه عصر حال حاضر و شرایط کشور بود و از روش های سخن گفتن با جوانان نیز

می‌توان به داشتن اخلاق نیک، رفق و مدارا، نرم و لین سخن گفتن، برقراری ارتباط صمیمی و دوستانه، برقراری ارتباط در تمامی محیط‌ها، استفاده از زبان هنر، توجه به میزان کشش و ظرفیت جوانان و برخورد کریمانه با تخلفات اجتماعی جوانان اشاره کرد.



منابع

- ۱) ابراهیمی بختور، داوود (۱۳۸۹). **بهداشت خانواده**، نشرخیام تبریزی، نوبت چاپ اول.
- ۲) حاتمی، سکینه (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر هوش معنوی بر رفتار کارکنان»، **پایگاه خبری تحلیلی چگامه**.
- ۳) رجایی، علیرضا (۱۳۸۷). «درمان شناختی هیجانی دینی»، **همایش منطقه‌ای شیوه‌های نوین ارتقای سلامت روانی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام.
- ۴) رجایی، علیرضا (۱۳۸۹). «هوش معنوی: دیدگاه‌ها و چالش‌ها»، **پژوهش نامه تربیتی**، ش ۲۲، صص ۴۴-۲۲.
- ۵) رجایی، علیرضا؛ محمدحسین بیاضی و حمیدحبیبی پور (۱۳۸۷). «بررسی رابطه بین باورهای اساسی دینی با بحران هویت در جوانان»، **روان شناسی ایران**.
- ۶) رکابی، حمید (۱۳۸۹). «کسب و کار: تعریف، اهداف و انواع آن»، **ماهنامه الکترونیک راهکارمدیریت**.
- ۷) سبحانی نیا، محمد. (۱۳۸۵). **جوان و نوگرایی**. بوستان اندیشه جوان، دفتر سوم.
- ۸) سهرابی، فرامرز (۱۳۸۵). «درآمدی بر هوش معنوی»، **معنا، ویژه نامه روانشناسی دین**، ش ۲، صص ۱۱۹-۱۱۴.
- ۹) سهرابی، فرامرز (۱۳۸۷). «مبانی هوش معنوی»، **سلامت روان**، سال اول، شماره اول، صص ۱۴-۱۸.
- ۱۰) شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۵). **جوان و هویت ملی**. بوستان اندیشه جوان، دفتر سوم.
- ۱۱) شیخی نژاد، فاطمه و گلنار احمدی (۱۳۸۸). «مدیریت درپرتوی معنویت»، **ماهنامه تدبیر**، ش ۲۰۲، صص ۵۸-۴۹.
- ۱۲) غباری بناب، باقر؛ محمدسلیمی؛ لیلای سلیمانی و ثنائوری مقدم (۱۳۸۶). «هوش معنوی»، **اندیشه نوین دینی**، سال سوم، ش دهم، صص ۱۴۷-۱۲۵.
- ۱۳) فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۶۶). **آئین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- ۱۴) فتاحی، مهدی و فرهنگگی، علی اکبر. (۱۳۸۷). «هوش معنوی، وحدت بخش دیگر انواع هوش»، **مدیریت توسعه**، ۳۷، ۹۵، ۱۱۰.
- ۱۵) کاپلان و سادوک (۱۳۸۷). **خلاصه روان پزشکی**، ترجمه نصرت الله پور افکاری، تهران: انتشارات شهر آب.
- ۱۶) کاویانی، محمد. (۱۳۹۱). **سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن**. قم: کتابگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۷) مایک جورج (۱۳۸۵). **روش برای آرامش**، ترجمه گروه مترجمین شادان، تهران: شادان.
- ۱۸) مصباح، محمدتقی (۱۳۷۹). راه‌های تقویت ایمان و معنویت، سلسله سخنرانی‌های استاد در جمع طلاب علوم دینی، **برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی استاد**.
- ۱۹) نصیری جامی، حسن (۱۳۸۴). «رنالیسم معنوی»، **زبان و ادبیات دانشگاه آزاد مشهد**، ش ۷-۸، ص ۲۱۶-۲۰۳.
- ۲۰) **نهج البلاغه** (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات عهد.
- ۲۱) هارتز، گری (۱۳۸۷). **معنویت و سلامت روان**، ترجمه امیر کامگار و عیسی جعفری، تهران، ویرایش.
- ۲۲) عبدالله زاده، حسن (۱۳۸۸). **هوش معنوی (مفاهیم، سنجش و کاربردهای آن)**، ویراستار: دکتر ابوالفضل کرمی، تهران: انتشارات روان سنجی.
- ۲۳) هوش معنوی ساغروانی (۱۳۸۷). **سیما**، ویراستار: حریری، تهران: انتشارات وان سنجی.
- 24) commitment turnover, pathanaly sesbased on meta – analytic findings personalpsychology, ۴۶(۳), PP: ۹۴-۲۵۹
- 25) Michaelowa+k.(۲۰۰۲). Teacher Job Satisfaction, Student Achievement and the Cost of Primary Education - Evidence from Francophone Sub-Saharan Africa -University of Zurich and Hamburg Institute of International Economics.
- 26) Quarstein Vernon A (۱۹۹۷). The Situational Occurences Theory of Job satisfaction, human relations, New York. Vol . ۴۵
- 27) Sanders+w.June C.(۱۹۹۶). Cumulative and Residual Effects of Teachers on Future Academic Achievement